

یادداشت

وزیر اقتصاد: مسعود نیلی یا علی طیب‌نیا یا یک اقتصاددان جوان تر

محمد رضا فرهادی‌پور . اقتصاددان

- مسعود نیلی (یا نماینده‌اش) بر سر وزارت اقتصاد

با علی طیب‌نیا باید رقابت کند؟

۱. مکتب فکری اقتصادی نیلی با طیب‌نیا تفاوت جدی دارد. نیلی را باید اقتصاددانی نئوکلاسیک دانست که به دولت کوچک باور دارد، اما با وجود این باور، سؤال بسیار جدی این است که چرا علاقه‌مند به حضور در دولت است. پارادوکسی عجیب! نیلی به اقتصاد آزاد همراه با آزادسازی و خصوصی‌سازی اعتقاد دارد که یک‌بار در قالب سیاست‌های تعدیل اقتصادی در ایران اجرایی شده است.

۲. مکتب فکری طیب‌نیا به اقتصاد کینزی و نوکینزی نزدیک است. تکان‌دادن وزیر مستقر اقتصاد کار آسانی نیست. هرچند ایشان یک‌بار گفته بود که علاقه دارد به دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران برگردد و تدریس کند. البته، با وجود این فرض، کار رقیب بسیار آسان است. البته، کار ایشان برای گذار از مجلسی که کارت زرد از آن گرفته چندان هم آسان نیست.

۳. در دور اول ریاست‌جمهوری آقای روحانی، نیلی مشاور ارشد اقتصادی رئیس‌جمهور بود و عملاً اختیار اجرایی نداشت. حداکثر کاری که در دوره ۱۳۹۶-۱۳۹۲ می‌توانست بکند این بود که مشاوره

بدهد یا لایه کند تا تصمیم‌موردنظرش اتخاذ نشود.

ولی عملاً نمی‌توانست مدیران موردنظرش را به کار

بگیرد و از ظرفیت آنان استفاده کند. یک‌بار شنیدم که

می‌گفت بانک مرکزی در یک موضوع، نظری خلاف

ایشان داشته و به آن عمل کرده است و البته، این

حسن‌نیت وی را نشان می‌دهد. بنابراین، او باید با وزیر

اقتصاد باشد یا ...

۴. نکته مهم درخصوص وزیر اقتصادبودن مسعود نیلی این است که منتقدان بسیار جدی دارد که در حمایت از روحانی در انتخابات بر این نکته تأکید کرده بودند که حمایتشان مشروط است؛ همان منتقدان سیاست‌های تعدیل ساختاری که از قضا بر عدالت اجتماعی تأکید بسیاری دارند. آقای طیب‌نیا هم‌اکنون با منتقدانی جدی روبه‌رو است.

۵. مسعود نیلی اگر به هر دلیلی خودش گزینه وزارت اقتصاد نشود و بخواهد نماینده‌ای را معرفی کند، کار کمی پیچیده می‌شود، تا آنجا که اقتصاددانان پیرامون مسعود نیلی را می‌شناسیم، بیدارکردن گزینه مناسب وزارت اقتصاد پراش آسان نخواهد بود. اقتصاددان جوان‌تری که حداقل یک دوره معاون وزیر بوده باشد، تقریباً وجود ندارد. مشکل احتمالی دیگر در مسیر مسعود نیلی، مجلس و مخالفت با اوست. همین امر گرفتن رای اعتماد را برای وی دشوار می‌کند و اگر هم رای بگیرد، اصطکاکش بالا خواهد بود.

۶. حالا سؤال مهم این است: آیا مسعود نیلی حاضر است با طیف دیگری از اقتصاددانان ائتلاف کند؟ این پرسش مهمی است که اگر مسعود نیلی پاسخی برایش نداشته باشد، باید نقش وزارت اقتصاد را در صورت فرض بالا (عدم حضور خودش) بزند که این اصلاً نمی‌تواند گزینه مناسبی برای وی باشد.

۷. از آقای روحانی و جهانبختی و نیلی انتظار

می‌رود که بهترین فرد را برای وزارت اقتصاد انتخاب

کنند؛ فردی که چند ویژگی کلیدی داشته باشد؛ یک،

در انتخاب وی به موضوع مطالبه نسلی اقتصاددانان

و اقتصادخوانده‌ها و مدیران اقتصادی جوان‌تر توجه

شود؛ دیدگاه و بینش اقتصادی توسعه‌گرا داشته

باشد؛ سابقه اجرایی لازم از سطوح میانی تا عالی

(مثلاً معاونت وزیر) را داشته باشد؛ سلامت اخلاق و

نفس و کار در کارنامه کاری‌اش باشد؛ امکان تعقیب

مطالبات اقتصادی مردم را برای دولت فراهم کند؛

زمینه تعامل اقتصادی میان اقتصاددانان و اجماع بر

سر رسیدن به راه‌حل را میسر کند. باور به این موارد اگر

ایجاد شود، انتخاب وزیر اقتصاد کار دشواری نیست.

نگاه

مالیات علی‌الرأس حذف شد

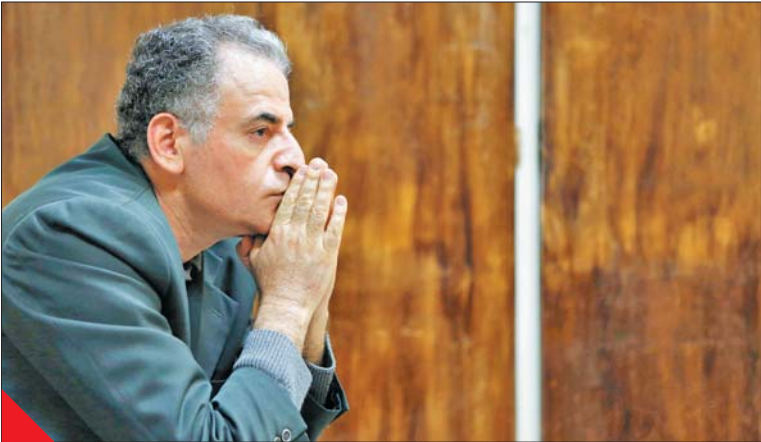
● **ایلتنا:** رئیس کل سازمان امور مالیاتی با اعلام صدور و ابلاغ ۱.۲ میلیون برگه مالیاتی بدون دخالت مأموران، گفت: دوره رسیدگی پرونده‌های مالیاتی از ۵۰۰روز به ۲۰۰ روز کاهش یافت. سیدکامل تقوی‌نژاد از حذف شیوه علی‌الرأس از نظام مالیاتی به منظور جلوگیری از اعمال سلیقه مأموران مالیاتی خبر داد و گفت: با اجرای نظام مالیات الکترونیک، مجموعه متعددی از خدمات الکترونیک به سه مؤید ارائه و بسیاری از فرایندهای مالیاتی تسهیل خواهد شد.

تأسیس ۱۰ شرکت هواپیمایی جدید

● **مهر:**رئیس سازمان هواپیمایی کشوری با اشاره به زیان‌ده‌بودن شرکت‌های هواپیمایی، گفت: تا شش ماه آینده ۱۰ شرکت هواپیمایی جدید به مجموع پیرالین‌های کشور افزوده می‌شود. علی‌عابدزاد بر پاسخ به این پرسش که هواپیمایی‌آ‌تی‌آر بعدی چه زمانی قرار است به ناوگان هما افزوده شود، گفت: هنوز زمان ورود آی‌تی‌آرهای پنجم و ششم ایران‌پرس مشخص نیست؛ همه هواپیمایی‌ها که قرار است وارد کشور شوند، مشکل تأمین مالی دارند و پس از آنکه تأمین مالی انجام شد، هم بویینگ، هم ایرباس و هم آی‌آر آمادگی دارند هواپیماها را به ایران تحویل دهند.

اقتصاد

حاشیه نشینی « دولت توزیع گر»



عکس امیر هکمتی

بود، مهم است. یک فرد وقتی وارد بازار کار می‌شود، اگر شغل پیدا

کند، منشأ ایجاد چهار نوع درآمد می‌شود. حقوق و دستمزد برای خود، حق بیمه برای سازمان‌های رفاهی و تأمین، مالیات برای دولت و سود برای کارفرما. در مقابل این فرد، چهار هزینه دارد. هزینه زندگی خصوصی، هزینه‌های کلان اجتماعی، هزینه‌های بیمه و تأمین اجتماعی، هزینه‌های سرمایه‌گذاری در دنیای کسب‌وکار، دوام و بقای جامعه هم در آن است که این چهار محور به درستی و در تناسب قابل قبولی تقسیم شود.

سیاست‌گذاران باید بدانند اگر فردی در جامعه شغل پیدا نکرد، به این معنا نیست که فقط یک فرد شغل پیدا نکرد، بلکه این فرد که شاغل نشد و آن چهار درآمد را ایجاد نکرد، آثاری در اقتصاد باقی می‌گذارد که همچنان ادامه دارد. آنها باید به باقی‌ماندن اثر پس از حذف عامل توجه کنند. در واقع اگر فرد، شاغل نشد، آن چهار هزینه تأمین نمی‌شود. حال آن هزینه بر عهده چه کسی خواهد بود؟ این هزینه روی دوش افراد شاغل در خانوارهای دیگر، بنگاه‌های اقتصادی، سازمان‌های بیمه‌گر و دولت خواهد بود. در قالب نمونه، تا سال ۱۴۰۰ بسیاری از کسانی که در سال ۱۳۷۵ در زمره جمعیت در سنین فعالیت و جمعیت فعال بودند، از بازار کار خارج شدند. اگر سن کار افراد بگذرد، آفات بسیار زیادی بر جامعه تحمیل خواهند کرد که جبران آنها کار بسیار دشواری خواهد بود. بحث آخر مربوط به قوانین و مقررات و نهادهای صنفی ناظر بر بازار کار است. مقوله جدیدی که در زمینه حقوق کار و روابط صنعتی است که در جامعه به روابط کار معروف است، وقتی می‌گوییم در عصر دانایی به سر می‌بریم، یعنی شکل نیروی کار

روابط کار مربوط به بنگاه‌های کوچک کاملاً متفاوت است و کاملاً دو موضوع مجزاست.

وقتی می‌خواهیم درباره بنگاه‌های کوچک، بزرگ و متوسط صحبت کنیم، باید از رویکرد اکوسیستمی صحبت کنیم. این رویکردی جدید برای تفکر و اقدام برای بهبود عملکرد این پدیده است. این رویکرد تمام عناصر و سیستم‌های مؤثر در حیات و تعادل آن پدیده را موردنظر قرار می‌دهد. وقتی درباره اکوسیستم فعالیت‌های اقتصادی صحبت می‌کنیم، در مورد همه نهادها و سازمان‌هایی صحبت می‌کنیم که مانند محرک یا مانعی در جهت بهبود عملکرد بنگاه‌ها عمل می‌کنند.

در این رابطه سه لایه و هسته را باید در نظر بگیریم؛

هسته مرکزی، ذی‌نفعان پیرامونی و نهادهای محیط کلان. وقتی درباره هسته مرکزی صحبت می‌کنیم، یعنی عرضه‌کنندگان نهاده‌ها، تقاضاکنندگان کالاها و خدمات و مجاری توزیع. اما وقتی در لایه ذی‌نفعان پیرامونی

عرضه‌کنندگان کالاها می‌کمل و جانشین، موضوع معیارها و استانداردها در این بخش می‌گنجد. در این بخش باید انگیزه‌ها، گرایش‌ها، سلیقه‌ها و... را در نظر بگیریم. وقتی از اشتغال صحبت می‌کنیم بسیار مهم است که افراد به‌عنوان خانوار تصمیم بگیرند کالا‌های ایرانی خریداری کنند. لایه‌های محیط کلان، بحث نهاده‌ا و دستگاه‌های حکومتی، قوانین و مقررات، سهام‌داران، سرمایه‌گذاران و... است. وقتی درباره «اس‌ام‌ا» ها

صحبت می‌کنیم، باید بپرسیم که سلیقه‌ها و... را در نظر بگیریم. وقتی از اشتغال صحبت می‌کنیم بسیار مهم است که افراد به‌عنوان خانوار تصمیم بگیرند کالا‌های ایرانی خریداری کنند. لایه‌های محیط کلان، بحث نهاده‌ا و دستگاه‌های حکومتی، قوانین و مقررات، سهام‌داران، سرمایه‌گذاران و... است. وقتی درباره «اس‌ام‌ا» ها حرف می‌زنیم بلافاصله باید سه سؤال به ذهن می‌آید. این بازار تا چه اندازه می‌تواند به بنگاه‌ها کمک کند؟ تشکیل‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های کارگری چطور؟ یکی از مسائلی که به بهبود بازار کار و ایجاد اشتغال در جامعه کمک می‌کند، موضوع سازمان‌پذیری صنعتی است. یعنی سطح فهم و نوع نگرش دانش‌آموختگان، کارکنان ارشد اقتصادی و بازیگران اجتماعی به تولید بسیار مهم است. در نظر داشته باشیم که تولید موضوعی پیوسته است. اصلاً تولید در جامعه‌ای که گسسته و منقطع باشد، نه شکل می‌گیرد و نه رشد می‌کند. البته

در جامعه ما این‌گونه نیست و همین مسئله یکی از

معضل‌های فضای کسب‌وکار کشور محسوب می‌شود.

بازار کار وقتی دچار عدم تعادل شود و عرضه و تقاضا

با هم تطبیق پیدا نکند، انواع بی‌کاری در جامعه ایجاد

می‌شود. براساس اطلاعاتی که ما داریم، شش تا هفت

نوع بی‌کاری شناسایی شده است. بی‌کاری ساختاری،

تحولات تکنولوژیک، بی‌کاری ناشی از کمبود تقاضای

مؤثر که فضای رکودی کشور آن را پدید آورده، بخشی از

انواع بی‌کاری محسوب می‌شوند.

شبکه‌ها بین بنگاه‌ها در باب میزان دوام و بقا تعیین‌کننده هستند. در دنیایی که رقابت سر برنده وجود دارد، شرکت‌های بزرگی هستند که از سطح تولید ناخالص داخلی برخی کشورها بیشتر فروش دارند، اما یکی از آسب‌های اقتصاد ایران، پایین‌بودن مقیاس تولید است. بنگاه‌هایمان عمدتاً کوچک هستند، شبکه‌ها می‌توانند نقیصه را رفع کنند. از طریق شبکه‌سازی

می‌توانیم بر نقطه‌ضعف پایین‌بودن مقیاس تولید غلبه کنیم. ممکن است کسب‌وکارهای خانگی، خرد و کوچک به‌تهایی نتوانند در بازار جهانی حاضر شوند، اما از طریق شبکه‌ها و پیوندهای عرضی و طولی می‌تواند وارد فضای بین‌المللی شود. منظور از شبکه‌سازی یعنی پیوندهایی که باید بین هم برقرار کنند. مثلاً ۱۰ مشاغل خانگی زیر نظر یک عامل پشتیبان یا یک بنگاه خرد باشد، در هم حل نشوند و ارتباط داشته باشند. یک شغل

خانگی اگر بخواهد محصول خود را در بازار بفروشد، به تنهایی قدرت چانه‌زنی ندارد. اما اگر اینها محبوس‌شان را به واحد خرد، به‌عنوان عامل پشتیبان بدهند، قدرت پیدا می‌کند و می‌تواند وارد بحث و گفت‌وگو شود.

اتحادیه‌های تجاری، تعاونی‌ها و... به عوامل انفرادی قدرت می‌دهند. وقتی یک تشکل صنفی مطرح می‌شود، آنها می‌توانند وارد عمل شوند و به افرادی که تولید می‌کنند قدرت ببخشند. اکوسیستم مفاد‌ل خرد و خانگی تقریباً شبیه هم است، اما کسب‌وکار کوچک گاهی مانند کسب‌وکار خرد و گاهی مانند کسب‌وکار متوسط و بزرگ است. بنابراین اکوسیستم واحدی بر آنها حکمرانی نمی‌کند؛ در نتیجه در سیاست‌گذاری، یک

سیاست برای حل مسئله اشتغال وجود ندارد.

وقتی قرار باشد این کسب‌وکارها را ساماندهی کنیم

سه بخش عرضه، تقاضا و محیط پیرامونی را باید

در نظر بگیریم. وقتی درباره بخش عرضه صحبت

می‌کنیم یک چار‌چوب مفهومی در ذهنمان است؛

منابع مالی، منابع انسانی، تشکیلات و هماهنگی. به

هیچ‌وجه نمی‌توانیم به سادگی درباره گسترش مشاغل

خانگی، خرد و کوچک بحث کنیم. در اینجا عموماً افراد

تازه‌وارد هستند و از فضای کسب‌وکار آسیب می‌پذیرند.

این کسب‌وکارها نرخ بازدهی بسیار کمی دارند. تعجب

نکنید که تسهیلات اعطایی به مشاغل خانگی و خرد

چهار، پنج درصد است چون نرخ بازدهی‌شان خیلی

بالا نیست که بتوانند از عهده نرخ‌های بهره در بازارهای

رسمی و عمومی کشور برخوردار شوند. اصولاً موضوع

روابط کار برای بنگاه‌های که در این سطوح هستند با

یکدیگر متفاوت است. درحال‌حاضر، روابط کار بیشتر

برای بنگاه‌های متوسط و بزرگ تعریف شده است، اما

ادامه از صفحه ۵

نقش سرمایه فیزیکی در کشاورزی

...که در حدود ۶۸ درصد آن برای سرمایه‌گذاری‌های جدید و مابقی آن برای سرمایه‌گذاری جایگزین برای استهلاک است. این اطلاعات نشان می‌دهد حدود نیمی از آن برای ایجاد و توسعه زیرساخت‌های مربوط به انرژی است. یک‌سوم برای حمل‌ونقل و ۱۳ درصد برای فناوری اطلاعات است. از این مقدار سرمایه‌گذاری مورد نیاز در قاره آسیا در حدود ۵۰ درصد مربوط به کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا است که بیشترین سرمایه‌گذاری در این کشورها مربوط

به برق و حمل‌ونقل است. در آمریکای لاتین سالانه در حدود چهار درصد تولید ناخالص داخلی نیاز به سرمایه‌گذاری زیربنایی است تا دسترسی به اهداف رشد اقتصادی محقق شود. آنچه تجارب جهانی نشان می‌دهد بدون توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و زیربنایی نمی‌توان انتظار دستیابی به اهداف رشد و توسعه را متصور شد. همین انتظار برای بخش کشاورزی هم صادق است. تجارب جهانی نشان می‌دهد در بخش کشاورزی هم به سرمایه‌گذاری

فیزیکی و زیربنایی نیاز است. سرمایه‌گذاری در کشاورزی و جنگل‌داری از طرف دولت شامل هزینه‌های مربوط به زیرساخت‌های کشاورزی، تحقیق و توسعه، آموزش و ترویج است. مطالعات مربوط به سهم مخارج دولت برای سرمایه‌گذاری کشاورزی و جنگل‌داری در میان کشورهای توسعه‌یافته و

کشورهای در حال توسعه حاکی از آن است که در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای صنعتی است. در کشورهای صنعتی در سال ۱۹۹۲، میزان سهم دولت از مجموع هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی بین ۰.۴ تا ۹.۱ درصد بوده که در اکثر کشورها در حدود ۱.۵ درصد بوده است. در گزارش ارائه‌شده برای کشورهای در حال توسعه، سهم دولت از هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی بین ۱.۵ تا ۷.۹ درصد در آفریقا، ۱.۷ تا ۲۳ درصد در آمریکای

لاتین و بین ۰.۲ تا ۱۹ درصد در آسیا بوده است. آمار نشان می‌دهد که هزینه‌های سرمایه‌گذاری دولتی بخش کشاورزی در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۳ در آفریقا، شرق اروپا و کشورهای صنعتی کاهش یافته اما در برخی از کشورهای آسیایی مانند چین افزایش یافته است. روند سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در زیرساخت‌های اساسی و زیربنایی حاکی از آن است که برای توسعه پایدار کشاورزی حضور هدفمند و هوشمندانه دولت در تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز ضرورت دارد.

موسسه ی اعتباری نور از نظر میزان سرمایه و تعداد شعب مقام دوازدهم را

در میان تمامی بانک ها و موسسات اعتباری کشور داراست.

سپرده‌گذاران است.

بنا بر دستور بانک مرکزی موسساتی که تعداد شعبات بالایی در برخی از استان‌ها دارند باید، تعداد شعب خود را در این استان‌ها کاهش دهند. **آیا این موضوع باعث تعدیل و تقلیل نیرو در موسسه‌ی اعتباری نور خواهد شد؟**

خیر، موسسه‌ی نور به هیچ وجه قصد تعدیل و تقلیل نیروی انسانی ارزشمند خود را ندارد. اما در راستای عمل به قوانین بانک مرکزی و همچنین ایجاد شعب بزرگ چند منظوره، تعدادی از شعب خود را در برخی از استان‌ها ادغام خواهد کرد و در عوض شعب بزرگی را راه‌اندازی خواهد کرد که در آن فعالیت‌های مختلف پولی نظیر امور مربوط به صرافی، سهام، کارگزاری و غیره انجام گیرد. نیروی انسانی آموزش‌دیده و با تجربه‌ی موسسه از مهم‌ترین دارایی‌هایی است که به هیچ وجه قصد از دست دادن آنها را نداریم.

از مهم‌ترین اهداف و برنامه‌های آتی موسسه اعتباری نور به چه مواردی می‌توان اشاره کرد؟

اطلباق کامل موسسه با معیارهای بین‌المللی از جمله مبارزه با پولشویی و رعایت کفایت سرمایه از مهم‌ترین اهداف ماست. به همین منظور درحال حاضر مشغول بررسی افزایش سرمایه هستیم.

بعلاوه موسسه‌ی نور به زودی وارد بورس اوراق بهادار می‌شود و لذا با باز شدن نماد موسسه اعتباری نور در تابلوی بورس، بستر

مناسبی برای معاملات سهام این موسسه در بورس اوراق بهادار فراهم خواهد شد.

همچنین استفاده از برترین تکنولوژی‌های روز دنیا در ارائه‌ی سرویس به مشتریان عزیز

از جمله مواردی است که همیشه در دستور برنامه‌های این موسسه قرار دارد. موسسه‌ی

اعتباری نور پس از پیوستن به شبکه‌ی شتاب، ساتنا و پایا در مدت کوتاهی با

راه‌اندازی هم‌راه‌بانک و اینترنت‌بانک گام‌های مفید و مؤثری در ارتقا سطح خدمات

الکترونیک خود برداشت و حرکت رو به

جلوی خود را با قدرت در این مسیر ادامه خواهد داد.

تغییر کرده و ایجاد اشتغال سخت شده، چراکه علاوه بر کمیت، کیفیت نیروی کار هم تغییر کرده است. آنچه باید سیاست‌گذار به آن توجه کند، آن است که آن کسانی که در دهه ۷۰ برای آنها تصمیم می‌گرفتند، ضربه‌هاگ زبستی‌شان مکانیکی بود، اما ضربه‌هاگ زبستی افرادی که در دهه ۹۰ و پس از ۱۴۰۰ وارد بازار کار می‌شوند، زبستی-دیجیتالی است. این دو شرایطشان بسیار متفاوت است. وقتی اکنون با دو گونه نیروی کار مواجهیم، قطعاً روابط کار نیازمند بازنگری اساسی است.

عبور از دولت رفاه به دولت کار

بنابراین باید از دولت رفاه به سوی دولت کار تغییر نگرش دهیم. تکیه دولت‌ها بر درآمدهای نفتی، اتخاذ تدابیر توزیع‌گرایانه و توزیع گسترده انواع یارانه‌ها و... نباید دیگر باشد. مشکلی که در ایران داریم آن است که قبل و بعد از انقلاب در بین گروه‌بندی‌های سیاسی، جناحی، مذهبی و... همیشه توزیع مقدم بر تولید بوده است. طوری زندگی می‌کردیم که شاید سه کتایه بتوان گفت «عصر اولویت همه‌چیز بر تولید».

این دولت کار اگر روی کار بیاید، می‌توان امید داشت که تحولی در مدیریت بازار کار و حل مسئله اشتغال پدید آمده است. در واقع باید یک کردگدسی در سطوح بالایی جامعه رخ دهد و حاکمیت طرفدار بخش‌های مولد باشد و دولت‌ها به دولت‌های تسهیلگر و کار دوست، توانمندساز و اشتغال‌آفرین تغییر کنند.

این کار ساده‌ای نیست. وقتی درباره جامعه‌ای صحبت می‌کنیم که توزیع رانتی دارد، فساد در آن پیداد می‌کند و بسیاری از مسائل در مجرای اصلی خود نیست، حال اگر از دولت بخواهیم طرفدار بخش‌های مولد باشد، کار دشواری است. تا این مسئله حل نشود، مسئله اشتغال بر سر جای خود باقی خواهد ماند. چنین تغییر دیدمانی نخست نیازمند حمایت در دیدمان نظام سیاسی و رسیدن به اجماع است.

اکنون در ایران در «مرحله مبتنی بر عوامل» زندگی می‌کنیم و حتما باید به «مرحله مبتنی بر کارایی» گذار کنیم. پس از آن هم باید گذار بسیار مدیریت‌شده به «مرحله مبتنی بر کارایی» به «مرحله مبتنی بر نوآوری» داشته باشیم. برای ایجاد اشتغال، بهبود بازار کار و مقابله با پدیده بی‌کاری و گریز از پیامدهای روان‌سپرتانه فردی و تخریب‌گرانه نهادهای اقتصادی اجتماعی، مسئله اشتغال باید در چارچوب مفهومی رشد فراگیر بررسی شود، یعنی رشد همراه با اشتغال مولد، توزیع مناسب درآمد، بهره‌وری بالا، توان رقابت بین‌المللی بالاتر، تخریب کمتر محیط زیست و مشارکت همگانی.

موسسه ی اعتباری نور یکی از پنج موسسه‌ی

دارای مجوز رسمی از سوی بانک مرکزی است که در حال حاضر در میان ۴۲ بانک و موسسه‌ی اعتباری کشور از نظر تعداد شعب و میزان منابع در مقام دوازدهم قرار دارد. محمدحسین اسکندری‌زاده، ریاست هیئت مدیره‌ی موسسه‌ی اعتباری نور، در مصاحبه‌ی ای از اهداف و برنامه‌های آتی این موسسه می‌گوید.

می‌دانیم که موسسه اعتباری نور یکی از پنج موسسه‌ی اعتباری دارای مجوز از سوی بانک مرکزی است. **این موسسه راه خود را در مسیر بانکی کشور چگونه و از چه زمانی آغاز کرد؟**

موسسه‌ی اعتباری نور در سال ۹۱ با کسب مجوز رسمی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رسماً فعالیت خود

را در عرصه‌ی بانکی کشور آغاز نمود. این موسسه از تجمیع سه موسسه‌ی ریحانه

گستر مشیز، کارسازان آینده و پیشگامان کویر یزد شکل گرفت که هر کدام از این

موسسات قبل از تجمیع نیز بیش از ۱۵ سال سابقه‌ی فعالیت درخشان در عرصه‌ی

پولی و بانکی کشور داشتند. خانواده‌ی موسسه‌ی اعتباری نور در حال حاضر از

بیشتر از یک و نیم میلیون نفر سپرده‌گذار و بیش از ۲۵۰۰ نفر نیروی انسانی کارآمد،

آموزش دیده و با تجربه تشکیل شده است. تعداد شعب موسسه ۳۳۶ شعبه در کشور

است و بر این اساس موسسه‌ی نور از نظر میزان منابع و تعداد شعب فعال در سطح

کشور در مقام دوازدهم در میان تمامی بانک ها و موسسات اعتباری کشور قرار دارد.

مجمع عمومی سالانه موسسه اعتباری نور امسال در چه تاریخی برگزار می‌شود؟

پیش از این قرار بود که مجمع عمومی فوق العاده موسسه اعتباری نور در تاریخ پانزدهم

تیر ماه سال جاری برگزار شود اما به منظور رعایت کامل مفاد اساسنامه و مصوبه هیئت

مدیره، و همچنین به منظور رعایت حقوق سهامداران، برگزاری مجمع در این تاریخ لغو

و به زمان دیگری که متعاقباً از طریق رسانه ها و جراید اعلام می‌گردد، منتقل شد.